



إلى الحبيب / محفل ستایشگران جوان آستان اهل بیت (ع) / شماره ششم / بهار ۱۴۰۵



شرط نوگیری

گفتاری از حاج منصور ارضی پیرامون اصول و آداب ستایشگر



الی الحبيب - محفل ستایشگران جوان آستان اهل بیت علیهم السلام

شماره ششم، بهار ۱۴۰۵

شرط نوکری

گفتاری از حاج منصور ارضی پیرامون آداب ستایشگری

اولین همایش الی الحبيب (اولین همایش ملی جمعی از ستایشگران جوان هیأت‌های کشور)؛ ۵ خرداد ۱۴۰۰.

شهر مقدس قم

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: علی ناصری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



نشریه‌های امروز

انتشارات هیأت امروز

پایگاه اطلاع‌رسانی: heyatemrooz.ir

شبکه‌های اجتماعی: @heyatemrooz_ir

رایانامه: info@1542.org



جامعه ایمانی مشعر

قم - کدپستی:

۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷

سامانه پیامک:

۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی:

www.1542.org

بسم ربیع البیوم

مقدمه

قطعاً حضور در هر مجموعه‌ای، مستلزم رعایت آداب و قواعد ویژه آن است؛ وادی ستایشگری نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دارای اصول و منش‌های اخلاقی خاصی است که رعایت آن‌ها از سوی ستایشگران به عنوان منتسبان به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام ضروری است تا شایستگی این انتساب را در رفتار و منش خود به نمایش گذارند.

یکی از راهبردهای مؤثر و روش‌های متداول در استخراج و صورت‌بندی این اخلاقیات و تدوین و تبیین این آداب، رجوع به سرمایه‌های تجربی پیشکسوتان و بهره‌گیری از دانش تجربی اساتید و کارشناسان این حوزه است.

متن حاضر، برگرفته از بیانات حاج منصور ارضی است که در اولین همایش ملی الی‌الحیب خطاب به ستایشگران جوان ارائه شده و در آن، مؤلفه‌های ادب ستایشگری، مبانی اخلاقی و آداب نوکری در چارچوب آستان مقدس اهل بیت علیهم‌السلام مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳



شماره ۶

پهارد ۱۳۰۵



اولين شهر رمضان

هدف از نوکری

بنده همیشه متذکر این مطلب شده‌ام که سخنگو زیاد است، اما حرف گوش کن و مستمع واقعی کم پیدا می‌شود. ما تا به حال هرچه شنیده‌ایم از درجات و مراتب بالای نوکری برای سیدالشهدا علیه السلام بوده که درست هم است، اما ما نوکرها باید ببینیم که هدف مان از نوکری چیست؟ آیا اصل برایمان بندگی است؟ یا این که در شهر و منطقه مان دکانی باز کردیم و نمی‌توانیم آن را از ترس آبرویمان تعطیل کنیم؟! اگر این گونه است، همان بهتر که دیگر نخوانیم و مداحی را کنار بگذاریم و سراغ شغل دیگری برویم. نباید یادمان برود که اصل بر این است که بندگی کنیم، اصلاً هدف از خلقت و تولد و

۵



شماره ۶

په‌ار ۱۳۰۵

تمام مسیر زندگی مان، بندگی است، البته بزرگان ما فهمیدند که نوکری برای اباعبدالله علیه السلام جزء اصول بندگی است.

اگر این نکته را درک کردیم، دیگر حلال و حرام‌ها را رعایت می‌کنیم و مرتکب کار عبث نمی‌شویم؛ به عبارت دیگر اگر سیر و سلوک ما معلوم شد و هدف مان را انتخاب کردیم، پس به دنبال این می‌رویم که ببینیم در هر لحظه وظیفه ما چیست و خدا از ما چه خواسته است؛ آیا خدا فقط از ما نماز و روزه و ... می‌خواهد؟! آیا حفظ حرمت‌ها، احترام بزرگ‌ترها، رعایت کوچک‌ترها، توجه به خانواده مورد خواست خداوند نیست؟ من همیشه از خدا عاقبت بخیری خواسته‌ام؛ این که در این آخر عمر مشکلی برای ایمان مان پیش نیاید؛ باور می‌کنید من مداحی را سراغ دارم را که جوری با خانواده اش بد رفتاری کرده که زنش مجبور شده طلاق بگیرد و برود؛ پس قبل از هر چیزی باید توجه داشته باشیم که وظیفه ما فقط محاسن بلند و ظاهری آراسته داشتن نیست، بلکه باید به اخلاق و رفتارمان هم اهتمام بورزیم.

بزرگان ما فهمیدند
که نوکری برای
اباعبدالله علیه السلام جزء
اصول بندگی است.

۶



شماره ۶
بهار ۱۴۰۵

حفظ ظاهر مناسب

من تعجب می‌کنم از این که برخی مداحان، محاسنی بلندتر و بیشتر از بسیاری از روحانیون دارند! این رویه درستی نیست؛ نه تنها محاسن، بلکه تمام شئون یک مداح باید متعادل و به اندازه باشد. این که فردی به مداحی اشتغال دارد، دلیل نمی‌شود محاسنی تا سینه داشته باشد. نکته عجیب‌تر، تناقض موجود در ظاهر آن‌هاست؛ محاسنی با آن شأن و منزلت، اما پوششی که هیچ‌گونه تناسبی با آن ندارد، تا حدی که گاهی تمایزی بین ظاهر این مداحان و یک خواننده معمولی دیده نمی‌شود. اساساً باید به حکمت گذاشتن ریش اندیشید. ریش باید در حدی باشد که هنگام دیدن

۷



شماره ۶

په‌ار ۱۳۰۵

فرد، تداعی‌گر دین‌داری و تعهد مذهبی او باشد؛ یعنی بیننده با نگاه به او، به یاد خدا و امام حسین علیه السلام بیفتد و همان مقداری که صورت را در بر می‌گیرد برای این هدف کافی است، نه اینکه ظاهر و محاسن به گونه‌ای باشد که تنها غم و مصیبت را در ذهن مردم زنده کند.

تمام شئون
یک مداح
باید متعادل
و به اندازه باشد.



شماره ۶
بهار ۱۴۰۵



لین هماینتی
معی از سبقت
حوان هیأت های

ما پیش از آن که
ستایشگر باشیم،
احیاگر هستیم.
این رسالت اصلی
ماست تا در نهایت،
بتوانیم کسی را
ستایش کنیم که
خود، احیاکننده
تمامی عوالم است.

احیا شویم تا احیاگر باشیم

ما پیش از آن که ستایشگر باشیم، احیاگر هستیم. این رسالت اصلی ماست تا در نهایت، بتوانیم کسی را ستایش کنیم که خود، احیاکننده تمامی عوالم است. قرآن کریم می‌فرماید: «**مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا**»؛ هر کس انسانی را حیات بخشد، چنان است که گویی همه مردم را حیات بخشیده است؛ این آیه، سنگ بنای کار ماست و عظمت مسئولیت احیاگری را نشان می‌دهد. احیای یک نفر احیای همه مردم است، مشروط بر این که احیاگر اول خودش احیا شده باشد. مردم وقتی پای منبر ما می‌آیند، آمده‌اند تا

۱۰



شماره ۶
بهاره ۱۴۰۵

مطلب گوش کنند و کسب معرفت کنند، چه کسی می‌تواند به مردم معرفت بدهد؟ کسی که خودش را احیا کرده یا کسی که می‌خواند تا خودنمایی کرده و خودش را معرفی کند؟ کسی که می‌خواهد به مردم معرفت یاد بدهد آیا نباید اول خودش احیاء شود؟ تا حالا برای احیاء خودمان چه کرده‌ایم؟ چقدر دعا می‌خوانیم؟ چقدر قرآن می‌خوانیم؟ چقدر برای احیای خودمان تلاش کردیم؟



محاسبه نفس

سفارش من به تمام ستایشگران و خادمین اهل بیت علیهم السلام این است تا می‌توانید اعمالتان را بنویسید، بچه‌های جبهه (رزمندگان دفاع مقدس) هر لحظه که وقت می‌کردند گوشه‌ای می‌نشستند، با خودشان خلوت می‌کردند و کارهایشان را می‌نوشتند و شب‌هنگام با مرور این نوشته‌ها، به محاسبه نفس می‌پرداختند؛ اعمالشان را می‌سنجیدند که در کدام عرصه‌های بندگی ثابت قدم بوده‌اند و در کجاها لغزش داشته‌اند. سپس تا طلوع صبح، بر همان نقطه ضعف‌ها تمرکز می‌کردند و به استغفار و گریه مشغول می‌شدند؛ زیرا بزرگان به ما آموخته‌اند که احیای فرد، مقدم بر احیای جامعه است، همان‌گونه که



امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در روایتی می فرماید: «**مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ**»؛ هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود بپردازد.

ما مسئولیم تا دست مستمع را بگیریم و به سفینه‌النجاة برسانیم. تصور کنید اگر مفسده‌ای برای یک نوکر و یک احیاگر ایجاد شود؛ مثلاً لباس نامناسب بپوشد، چه اثری در جامعه به وجود می آید؟ بر همین اساس، قرآن می فرماید: «**مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا**»؛ اگر حتی باعث گمراهی و فساد یک نفر هم بشویم، گویا همه مردم را به ضلالت و گمراهی کشانده‌ایم، بنابراین وظیفه ما خیلی سنگین است، وظیفه ما احیاگری است و باید آن را از همین امروز و از خودمان شروع کنیم؛ چرا که وقتی خداوند در قرآن می خواهد انذار از عذاب بدهد، انفسکم را بر دیگران مقدم نموده و می فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش نگه دارید.



۱. بحارالأنوار، ج ۲، ص ۵۶.
۲. مائده، ۳۲.
۳. تحریم، ۶.

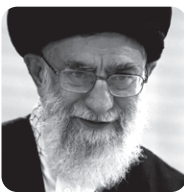


ارتباط با علما

حتی شخصیت بلندمرتبه‌ای مانند حضرت عبدالعظیم حسنی، با آن مقام والا، همیشه اعتقادات خود را بر استادی (ولّی خدا ﷺ) عرضه می‌کرد تا از درستی مسیر دینی خود اطمینان یابد. او با این که دسترسی به محضر امام زمانش را داشت، چنین نیازی را در خود احساس می‌کرد؛ اما در عصر غیبت که امام و ولّی خدا ﷺ غایب می‌باشد، ضرورت این امر برایمان روشن تر است. وظیفه ما در این عصر این است که به عالمان فرهیخته و مورد اعتماد در شهر و دیار خود رجوع کنیم و عقاید، روش‌های عملی و سیر و سلوک معنوی مان را برایشان عرضه داریم تا از صحت و سلامت مسیرمان آگاه شویم.

یکی از ایرادهای
مهمی که
گریبان‌گیر بسیاری
از ستایشگران
شده، فاصله گرفتن
از روحانیت است.





یکی از ایرادهای مهمی که گریبان‌گیر بسیاری از ستایشگران شده، فاصله گرفتن از روحانیت است. آنان نباید حتی در صورت وجود اختلاف نظرهای جزئی، از روحانیون فاصله بگیرند. حفظ ارتباط و رفاقت، در چنین شرایطی، ضروری است تا هیچ‌گاه این تصور برای دیگران پیش نیاید که میان ستایشگر و روحانی شکافی وجود دارد.



ستایشگر متعهد،
پیش از هر چیز
باید اصول و
چارچوب‌های
این مسئولیت را
رعایت کند.

اصول ستایشگری

ستایشگر متعهد، پیش از هر چیز باید اصول و چارچوب‌های این مسئولیت را رعایت کند. آشنایی با سبک‌های مختلف و به‌کارگیری اشعار وزین و ارزشمند، از ضروریات کار اوست. متأسفانه این روزها شاهد برخی شعرهای بی‌قاعده و ناسازگار با اصول ادبی هستیم که فاقد انسجام لازم هستند. همچنین، برخی از خوانندگان به سمت استفاده از دستگاه‌ها و آلات موسیقی روی آورده‌اند، در حالی که یک ستایشگر هوشمند، همیشه باید بهترین شعر و سبک را برگزیند؛ به گونه‌ای که اگر کسی آن را شنید، نه مسخره‌اش کند و نه به خواننده خرده بگیرد. امروزه که با دشمنان متعددی روبه‌رو هستیم، باید به سلاح دانش و



آگاهی مجهز شویم؛ سوادمان را افزایش دهیم، مقتل خوانی را بیاموزیم و از تکثیر غیرضروری هیأت‌داری‌ها بکاهیم.

یکی از آفات رایج در میان ستایشگران، برنامه‌ریزی فشرده و غیرمنعطف است؛ به‌گونه‌ای که از ابتدای شب تا پاسی از شب، در چندین هیأت مختلف حاضر می‌شوند و می‌خوانند. این شتاب‌زدگی، فرصت تعامل با مستمع را از بین می‌برد و آنان را از تربیت چهره‌به‌چهره و تأثیرگذاری عمیق بازمی‌دارد. این وضعیت، نشان‌دهنده آن است که هنوز به معنای واقعی احیاء نرسیده‌ایم. ستایشگرِ احیاگر، باید مجلسی ثابت و کامل داشته باشد تا بتواند برای مستمعین خود به اندازه کافی وقت بگذارد، با آنان ارتباط مؤثر برقرار کند و به تدریج، مخاطب خود را پرورش دهد.






اصلاح نفس

ما باید خودمان را مدام مؤاخذه نموده و از خود بپرسیم: آیا خدمت‌مان برای این خانه (اهل بیت علیهم‌السلام) بوده یا برای جلب نظر مردم؟! آیا برای اصلاح خویش می‌خوانم یا برای نمایش به دیگران؟ شاید این پرسش پیش آید که ما نباید برای خود بخوانیم، بلکه تنها باید برای خدا و امام حسین علیه‌السلام باشیم؛ اما این تصور، نادرست است. چرا که وقتی ستایشگر برای احیای درون و تهذیب نفس خویش می‌خواند، در حقیقت برای خدا و امام حسین علیه‌السلام نیز خوانده است. ستایشگر پیش از آن که خواننده شود، باید گریه‌کن باشد.





باید در خلوت خود، اهل تهذیب و سیر و سلوک
شود. این همه می خوانیم، اشعار را و اکاوی
می کنیم، صدا را می گردانیم و می تابانیم و مردم
نیز صادقانه می گیرند؛ اما باید دید که ما خود
چه بهره‌ای از این مجلس برده‌ایم. دست به
چشم‌تان بزنید و ببینید اشک دارد یا خشک
است؟ آیا می‌توان باور کرد خواننده‌ای
گریه‌کن نباشد؟!

بستایم شکر پیش
از آن که خواننده
شود، باید گریه‌کن
باشد.

مسلك اهل بیت علیهم السلام

دو پیامبری که آرامگاهشان در کنار حرم امام علی علیه السلام قرار دارد، آن قدر مقرب درگاه الهی هستند و مقام والایی نزد خداوند دارند که زیارت آنان در کنار زیارت آن حضرت سفارش شده است. این دو بزرگوار، با وجود داشتن فرزندان ناسپاس و ناخلف، هیچ‌گاه از منزلت معنوی شان کاسته نشد. این مسلك اهل بیت علیهم السلام است که نقاط مثبت و خوبی‌های دیگران را به خاطر بعضی کاستی‌ها کنار نمی‌گذارند؛ اگر فرزند کسی راه نادرست در پیش گرفت، این حق را نداریم که او را قضاوت کنیم و بگوییم: اگر خودش شایسته بود، قطعاً فرزندش را درست تربیت می‌کرد. چنین قضاوت‌هایی نادرست است.



زیرا بسیاریند کسانی که خودشان اهل صلاح هستند، اما فرزندان خلفی ندارند، حتی در میان بزرگان انقلاب نیز کسانی بودند که با رعایت عدالت، حکم اعدام فرزند خود را امضا کردند. این‌ها نمونه‌های روشنی از احیای نفس است. اگر احیاء شدید، خواننده خوبی می‌شوید و الاً با صرف خواندن ذکر و ورد و دعا کارساز نخواهد بود.

این مسلک
اهل بیت علیهم‌السلام است
که نقاط مثبت و
خوبی‌های دیگران
را به خاطر بعضی
کاستی‌ها کنار
نمی‌گذارند.

۲۲



شماره ۶

بهار ۱۴۰۵

عاقبت بخیری

دعای «رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مَدْخَلَ صِدْقِيْ»^۱ فقط برای ورود به مجالس نیست؛ این‌ها خوب است، اما این آیه هزاران جلوه دارد. دعا کنیم که ورودمان به دستگاه امام حسین علیه السلام از روی صدق باشد؛ آن‌گاه است که خروج و عاقبت‌مان نیز قطعاً همراه با صدق خواهد بود؛ لذا باید به نوکری‌هایمان و چگونگی خواندن‌هایمان دقت کنیم. امروزه که خود را سرگرم دستگاه‌ها و سبک‌های مختلف کرده‌ایم، مواظب کارهایمان باشیم.

۲۳



شماره ۶

په‌ار ۱۳۰۵

۱. اسراء، ۸۰.

برای این که به مجلس سینه زنی شور بدهیم، ذکر امام حسین علیه السلام را کنار مداح وارد کردیم، بعد کم کم برای این که نمک کار بیشتر شود، آهنگ هم به آن ضمیمه کردند. نتیجه اش شده اوضاعی که اکنون شاهد آنیم؛ یک بار برای جلب توجه، کسی به سبک هندی می خواند، فردا شاید جوان دیگری بیاید و بگوید: من استعداد دارم و به سبک ژاپنی بخواند! دعا کنیم که عاقبت مان ختم به خیر شود.

دعا کنیم که
ورودمان
به دستگاه
امام حسین علیه السلام
از روی صدق باشد؛
آن گاه است که
خروج و عاقبت مان
نیز قطعاً همراه با
صدق خواهد بود.

۲۴



شماره ۶

بهاره ۱۳۰۵

ثبات قدم

آن چه از روایات به دست می آید این است که عزای سیدالشهدا علیه السلام، حقیقت و غایت آفرینش می باشد و هر که به این معرفت دست یابد، به تمام معارف الهی رسیده است. ما که خود را نوکر امام حسین علیه السلام می دانیم، مسئولیتی سنگین بر دوش داریم، اما برای این که اثرگذار باشیم، باید قبل از هر کاری، قدرتی درونی پیدا کنیم که بتوانیم بر خودمان مسلط شویم؛ آن وقت است که می توانیم بر مردم و مستمعین مسلط شویم و حرف بزنیم و کار کنیم و به اشتباه مردم و یا مسئولین اعتراض نماییم.

۲۵



شماره ۶

بهاره ۱۳۰۵

ما نباید تحت هیچ شرایطی اجازه دهیم دستگاه سیدالشهدا علیه السلام و مجالس حسینی تعطیل گردد. وقتی در دوران شیوع بیماری‌هایی مانند کرونا، بیمارستان‌ها تعطیل نمی‌شود و پزشکان و پرستاران به مرخصی نمی‌روند، ما امام حسینی‌ها نیز باید تا پای جان در این جبهه بایستیم؛ زیرا همان‌گونه که مردم به پزشک و دارو نیاز دارند، به روزه، وعظ، قرآن و دعا نیز سخت محتاج‌اند. چگونه است که بیمارستان‌ها را باز می‌گذارند، اما هیأت‌ها و حرم‌ها باید بسته شود؟ بله قبول دارم که رعایت پروتکل‌های بهداشتی ضروری است؛ ما نیز این موارد را رعایت کردیم: ماشین‌ها، افراد و حتی کفش‌ها را ضد عفونی نمودیم، اما نگذاشتیم مجلس امام حسین علیه السلام تعطیل شود. قطعاً کسانی که پای امام حسین علیه السلام نایستادند و اجازه تعطیلی مجالس را دادند، روزی تاوان این کوتاهی را خواهند داد. دستگاه امام حسین علیه السلام منحصر در نذری و پذیرایی و راحتی نیست. نباید فقط در روزهای خوش و راحت، کنار امام باشیم و در هنگامه‌ای که باید هزینه دهیم، صحنه را خالی کنیم.

همان‌گونه که مردم به پزشک و دارو نیاز دارند، به روزه، وعظ، قرآن و دعا نیز سخت محتاج‌اند.



حضور در روضه

این که تصور کنیم هیأت مجازی می‌تواند جایگزین مجالس حقیقی امام حسین (علیه السلام) شود، کاملاً اشتباه است. باید این مجالس برپا باشد و مردم به هر شکل ممکن در آن حاضر شوند. هیچ نگرانی هم وجود ندارد؛ چرا که باور داریم دستگاه امام حسین (علیه السلام) شفاخانه است و این اعتقاد، پشتوانه روایی دارد. رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس، با تکیه بر همین روضه‌ها و مداحی‌ها، تاپای جان در راه دین خدا ایستادند. به خدا قسم، قبل از هر عملیات، همه را در مقرر فرماندهی جمع می‌کردند و روضه خوانده می‌شد و بعد شروع به عملیات می‌کردیم. یادم نمی‌رود، بعضی اوقات به دلیل این که

۴۷



شماره ۶

پهارد ۱۳۰۵

نمی‌شد همه رزمنده‌ها را در یک مکان جمع کنیم، از صبح تا غروب، سنگر به سنگر می‌رفتم و برای هر گروه، جداگانه مراسم روضه برپا می‌کردم. این‌گونه مجالس حسینی را نگه داشتیم. اما امروز، یک عده‌ای که در آن دوران، در اروپا مشغول در حال تحصیل بودند، آمدند و بر ما تسلط پیدا کردند و به مقام وزارت و وکالت رسیده‌اند، در حالی که هیچ احترام و ارادتی نسبت به این مجالس نورانی ندارند.

رزمندگان ما
در دوران دفاع
مقدس، با تکیه بر
همین روضه‌ها و
مداحی‌ها، تا پای
جان در راه دین
خدا ایستادند.



(زیارت امام حسین در روز عاشورا)

پس بگوئی مد مرتبه السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله و

بِفَضْلِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَدَأَ

سلام خدا از من بر تو باد الی الابد

وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ لِيَوْمِئِذٍ حَسْبًا

است و خدا این زیارت مرا آخرین عهد با حضور

الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ

حسین (ع) و بر علی بن الحسین (ع) و بر فرزندان حسین

الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ خَصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمِي

حسین (ع) پروردگارا تو لعن

أَوْلَادِ ظَالِمِي، اللَّهُمَّ خَصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمِي، اللَّهُمَّ

در حق درمین و سومین و چهارمین

عملیاتی کردن زیارت
عاشورا یعنی ایجاد
سنخیت و همخوانی
میان نوکر (خادمین و
ستایشگران) و ارباب
(اباعبدالله علیه السلام) که همان
تأسی عملی است؛

عملیاتی کردن زیارت عاشورا

حواس مان باشد بسیاری از ما که ادعای نوکری امام حسین علیه السلام را داریم، در عمل، ارباب واقعی مان شیطان است یا هوس یا رفیق ناباب یا پولی که در ازای هر مجلس می‌گیریم. (مسلک ما حرام دانستن دریافت پول برای خواندن روضه امام حسین علیه السلام است، ولی متأسفانه برخی این اصل را رعایت نکردند.) کسی که واقعاً به دنبال نوکری برای امام حسین باشد، باید تمام لحظات عمرش بر اساس رضایت آن حضرت رقم بخورد و بتواند زیارت عاشورا را در زندگی اش عملیاتی نماید. عملیاتی کردن زیارت عاشورا یعنی ایجاد سنخیت و همخوانی میان نوکر (خادمین و ستایشگران) و ارباب (اباعبدالله علیه السلام) که همان تأسی عملی است؛ همان‌گونه که آن حضرت غرق در عبودیت پروردگار بود،

۳۰



شماره ۶
بهاره ۱۴۰۵

من نیز باید به وادی بندگی قدم بگذارم و ببینم خدا از من چه می‌خواهد، چه چیزی را حرام یا حلال، مباح یا مکروه شمرده است. همچنین در اصول دین، باید باورهایم را نزد عالمی باسواد، بامعرفت و باتقوا عرضه کنم، نه این که در برابر روحانیت موضع‌گیری نمایم.

در فراز «يَا أَيُّهَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَا أَيُّهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ» نیز ما با سیدالشهدا علیه السلام سنخیت پیدا می‌کنیم؛ چرا که بر پایه روایت «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»،^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پدران این امت هستند و در صلوات چهارده معصوم علیهم السلام حضرت زهرا علیها السلام به عنوان «ام‌الاحباء» معرفی شده‌اند.^۳ همچنین، همان‌گونه که امام حسین علیه السلام در راه خدا به جنگ دشمنان حق برخاست، ما نیز مطابق فراز «حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» از زیارت عاشورا، باید با دشمنان اهل بیت علیهم السلام در حال جنگ و مقابله باشیم. این است معنای واقعی تطبیق و عملیاتی کردن زیارت عاشورا در زمانه ما که باید تک‌تک فرازهای این زیارت را در زندگی مان جاری نمایم.

۱. فرازهای ابتدایی زیارت عاشورا

۲. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵، باب ۶.

۳. مصباح المتهجد، ص ۳۹۹؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ فَاطِمَةَ الزَّيْنَةَ، حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيَّتِكَ، وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَأَضْفِيائِكَ»



خواننده چه زمانی می‌خواهد با دعا و نماز شب و سحر آشنا شود؟! چرا دعا در مجالس ما هیچ جایگاهی ندارد؟ این یک آفت بزرگ و یک درد بی‌درمان است که متأسفانه امروز مجالس حسینی ما را فرا گرفته است. بیاییم مجالس دعا خصوصاً دعای کمیل نیمه شب را حتی اگر شده باده نفر راه بیاندازیم و سحرها را قدر بدانیم، خداوند در قرآن، وقتی می‌خواهد پیامبرش را نجات بدهد، می‌فرماید: «وَنَجِّنَاهُمْ بِسِحْرِ»؛ در سحر نجاتش دادیم. بنابراین اگر ما نیز خواهان نجاتیم، باید اهل مناجات نیمه شب و سحر باشیم. باید اول خودمان نجات پیدا کنیم تا بعد بتوانیم دیگران را نجات دهیم.

۳۳



شماره ۶

پاییز ۱۳۰۴

آداب ستایشگری

- ضرورت رعایت آداب در وادی ستایشگری
- بیان اصول عملی ستایشگری
- اخلاق و رفتار فردی
- رعایت ظواهر و شئون ستایشگری
- تبیعت از سیره اهل بیت علیهم السلام
- رسالت اصلی: احیاگری
- اصلاح نفس
- مشخص کردن هدف نوکری
- صداقت در نوکری
- محاسبه نفس
- ثبات قدم
- ارتباط با علما
- توسل
- عمیاتی کردن زیارت عاشورا
- انس با ادعیه
- بیان اصول فنی ستایشگری

۳۴



شماره ۶

بهار ۱۴۰۵



حبيب چون وصل به كرامت شده است، وجود خودش هم كريم است. پس حبيب تمام شدنى نيست، هميشگى است و اين خصوصيت همه اصحاب عاشوراى است كه تا عاشورا زيارتش جارى است، خواهند گفت:

« و على الزواح التى حلت بفنائك »

حبيب اهل اشاره است، نياز به توضيح ندارد..

كافى است امام عليه السلام لبائش را تر كند و بفرمايد: **حبيب بشتاب!** آن وقت اين حبيب است كه با سر به آستان محبوب خواهد آمد.

«الى الحبيب» محفلى است براى هم افزايى و هم گرايى جامعه ستايشگران جوان اهل بيت عليهم السلام در راستاى بسط گفتمان اسلام ناب.

كه به دنبال ارتباط بيشتر
محتان سيدالشهدا عليه السلام است...
قرار نيست مشعر توليد كند.
قرار است مشعر آيينه توليدات
و فعاليت هاى شما باشد.
اينجا، جاى آرم هيات شماست
كه بايد در شماره هاى بعد پرش كنيد...



نشرهيات امروز

heyatemrooz.ir
@heyatemrooz_ir



۰۲۵ - ۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org

جامعه ايمانى مشعر،
محفلى است براى گرد آمدن
هيات هاى كشور.
مشعر چيزى جز اجتماع هيات ها نيست،
جامعه اى فراتر از مرزهاى نژادى و
تقسيمات جغرافيايى و سياسى.
اجتماعى ايمانى و توحيدى است